

## شناسایی و رتبه‌بندی موانع مؤثر بر فعالیتهای کارآفرینی زنان با استفاده از تکنیکهای MCDM: زنان کارآفرین استان یزد

دکتر سید حبیب اله میرغفوری\*

حسین صیادی تورانلو\*\*

سعیده فهیمی هنزایی\*\*\*

### چکیده

زنان نقش مهمی در ارتقای اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه ایفا می‌کنند. ارتقای فعالیتهای کارآفرینانه در بخش زنان می‌تواند محرکی مؤثر برای رشد و توسعه اقتصاد، افزایش درآمد زنان و بهبود کیفیت زندگی آنها محسوب شود. اما امروزه سهم زنان در فعالیتهای کارآفرینی جامعه، بسیار اندک می‌باشد. در این راستا برای ارتقای فعالیتهای کارآفرینی زنان باید موانع کارآفرینی این قشر شناسایی و تجزیه و تحلیل شود تا با رفع یا کاهش این موانع نقش زنان در فعالیتهای کارآفرینی در سطح جامعه پررنگ تر شود.

در این پژوهش با بررسی ادبیات موضوع، استفاده از نظر خبرگان و تکنیک دلفی، موانع کارآفرینی زنان در استان یزد و در شش بعد شناسایی و طبقه‌بندی شد. سپس برای تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی موانع مؤثر، روش‌های آماری و تکنیک TOPSIS مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که موانع فرهنگی و مالی مهمترین موانع در کارآفرینی زنان می‌باشند. در پایان بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادهایی برای بهبود سطح فعالیتهای کارآفرینی زنان ارائه شده است.

کلیدواژه ها: کارآفرینی، موانع، تصمیم‌گیری چند معیاره، TOPSIS.

تاریخ پذیرش مقاله: 87/01/24

تاریخ دریافت مقاله: 86/11/24

\* عضو هیئت علمی دانشگاه یزد و رئیس دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد، [Mirghafoori@yazduni.ac.ir](mailto:Mirghafoori@yazduni.ac.ir)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه یزد، [H.Sayyadi@yahoo.com](mailto:H.Sayyadi@yahoo.com)

\*\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه یزد، [saidah\\_fahimi@yahoo.com](mailto:saidah_fahimi@yahoo.com)

## مقدمه

تحولات و دگرگونیهای نظام اجتماعی - اقتصادی عصر حاضر، ناشی از پیشرفت‌های شگرف علمی و تکنولوژیک است که به نوبه خود باعث ایجاد دیدگاهها، ضرورتها و نیازهای جدیدی شده است. برای پاسخ به این نیازها و همراهی با تحولات و دگرگونیهای مزبور، دیگر نمی‌توان به روشها و فرایندهای موجود اکتفا کرد. از این رو تضمین و تداوم حیات و بقای جوامع، نیازمند استفاده بهینه از نیروی کار فعال، به‌خصوص نیروی نخبه و کارآفرین می‌باشد (احمدپور داریانی، 1381).

در عرصه جهانی، زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعه صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگنایهای بازار در جوامع تبیین شده است (آراستی، 1385).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، حضور زنان در بازار کار، متناسب با افزایش سطح تحصیلات آنان افزایش پیدا نکرده است و موانع بسیاری بر سر راه فعالیتهای اقتصادی زنان در خارج از منزل وجود دارد. این باور در میان اکثریت مردم رواج دارد که در حال حاضر، علی‌رغم آنکه بخش اعظم زنان خارج از بازار کار قرار دارند، کشور با مشکل عظیم بیکاری دست به گریبان است. در این صورت به طور قطع با افزایش شمار زنان تحصیل کرده و فعال، بحران بیکاری تشدید خواهد شد. آمار موجود نیز دلالت بر این امر دارد، به طوری که نرخ بیکاری زنان و دختران دانشگاهی از ۳۹٪ در سال 1375 به ۵۴٪ در سال 1381 رسیده است (مرکز آمار ایران، 1381) و از سوی دیگر تمایل زنان و دختران به تحصیلات دانشگاهی در سالهای اخیر افزایش پیدا کرده است و بیش از ۶۵٪ از متقاضیان ورود به دانشگاهها را دختران به خود اختصاص داده‌اند، بعلاوه نمی‌توان از نظر دور داشت که بالارفتن شمار زنان بیکار تحصیل کرده به افزایش نارضایتی در میان این گروه منجر می‌شود و عوارض اجتماعی - اقتصادی خاص خود را به همراه خواهد داشت (کریمی، 1384). افزایش قابل ملاحظه زنان شاغل واقعیت انکارناپذیر جامعه ایران است. با وجود این، تجربه اجتماعی حاکی از آن است که تعداد کمی از زنان شاغل کارآفرین هستند؛ به طوری که به عنوان مثال سهم زنان در بین کارآفرینان سال 1385

استان یزد، تنها 8٪ بوده است (اداره کار و امور اجتماعی، استان یزد، 1385). در این صورت بنا به ضرورت توسعه، سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان، ضروری است که شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان فراهم شود تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصتهای شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند (گلرد، 1384). به طور مسلم در این مسیر موانع و مشکلات متعددی وجود دارد که شناسایی و رفع آنها منجر به تسهیل این امر خواهد شد. بنابراین مطالعه موانع کارآفرینی زنان به شناسایی محدودیتهای موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت افزایش کارآیی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند (جواهری، 1383).

با توجه به اینکه مطالعات کمی در این زمینه انجام شده است، این پژوهش درصدد است تا از طریق مطالعه اکتشافی، عوامل مؤثر بر مشارکت نکردن زنان در فعالیتهای کارآفرینی را شناسایی، رتبه‌بندی و تجزیه و تحلیل کند و راهکارهایی را برای توسعه کارآفرینی در این بخش از جامعه ارائه دهد.

### چارچوب نظری

واژه کارآفرینی از قرن‌ها پیش و قبل از آنکه به زبان امروزی مطرح شود، در زبان فرانسه متداول شد. این واژه معادل کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای «متعهد شدن» و معادل *Under Take* در زبان انگلیسی می‌باشد که در سال 1848 به وسیله جان استوارت میل به کارآفرینی<sup>1</sup> در زبان انگلیسی ترجمه شد (خنیفر، 1385). در اوایل سده شانزدهم میلادی کسانی را که در کار ماموریت نظامی بودند، کارآفرین خواندند و پس از آن برای مخاطرات دیگر نیز همین واژه با محدودیتهایی مورد استفاده قرار گرفت. از حدود سال 1700 میلادی به بعد درباره پیمانکاران دولت که دست‌اندرکار امور عمرانی بودند، از لفظ کارآفرین زیاد استفاده شده است. واژه‌های کارآفرینی و کارآفرین در حوزه اقتصاد نیز مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت؛ به طوری که همه مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های خود تشریح کرده‌اند. ژوزف شومپیتر با ارائه نظریه توسعه اقتصادی

---

## 1. Entrepreneurship

خود در سال 1934 که همزمان با دوران رکود بزرگ اقتصادی بود، موجب شد تا نظر او در خصوص نقش محوری کارآفرینان در ایجاد سود، مورد توجه قرار گیرد و به همین دلیل وی را «پدر کارآفرینی» لقب داده‌اند (پورداریانی، 1381).

امروزه در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های مختلف همانند صنعتی، خدماتی، تکنولوژی و ... شده‌اند. همچنین، چرخه‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه فعالیتهای کارآفرینی آنان به حرکت در می‌آید؛ به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان کرد که کارآفرینی موتور رشد و توسعه اقتصادی است (Schumpeter, 1934). در این راستا کشورهای پیشرفته از دهه‌های قبل و برخی از کشورهای در حال توسعه از دهه‌های اخیر با توجه به نقش مؤثر و مثبت کارآفرینان اقتصادی در توسعه جامعه، بهره‌برداری از این پتانسیل را برای مواجهه با معضلاتی نظیر رکود، تورم و عدم اشتغال مورد توجه قرار داده‌اند. این توجه در حد تدوین استراتژیها، سیاستها و برنامه‌های عملی برای بسط روحیه و رفتار کارآفرینان، آموزش و مشاوره، ایجاد فضای مناسبتری برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی، رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین آنها و تسهیل دستیابی آنها به بازارهای جهانی بوده و نتایج قابل توجهی نیز در پی داشته است (Gnyawali, 1994).

مطالعاتی که در زمینه ارتباط بین ویژگیهای فردی و رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که پیشرفت به یک گروه و مذهب خاصی اختصاص ندارد و با رشد و توسعه برخی از ویژگیها در افراد می‌توان رشد اقتصادی را در جوامع مختلف فراهم کرد (McClelland, 1961). در این بین زنان نیز از این امر مستثنا نبوده، به طوری که زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در عرصه جهانی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعه صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار در جوامع تبیین یافته است (آراستی، 1385). در این راستا طی دو دهه گذشته، زنان بسیاری به عنوان کارآفرین به محیطهای کسب و کار روی آورده‌اند؛ به طوری که حضور زنان در مکانهای کسب و کار برای اداره سازمانهای کوچک و کارآفرین اثر عظیمی بر اشتغال و محیطهای کسب و کار در سراسر جهان داشته است. آمارها

نشانه‌گر رشد زنان کارآفرین تا سال ۲۰۰۲ در جهان بخصوص آمریکای شمالی بوده است. هر چند که مشکلات اولیه بر سر راه توفیق زنان در کسب و کار از میان برداشته شده است، اما هنوز چالشها و موانع فراروی زنان کارآفرین، بسیار است. پرسشهای بسیاری از سوی پژوهشگران دربارهٔ آثار و موانع کارآفرینی زنان مطرح شده است (جزنی، ۱۳۸۵).

در یک بررسی انجام شده از ۱۴۰ کارآفرین زن در آمریکا، موانع عمده آنان در زمینه راه‌اندازی و ادامه کار در جدول ۱ نشان داده شده است (Hisrich and Brush, 1984). در این بررسی بزرگترین مشکل زنان در مرحله راه‌اندازی، تأمین سرمایه و در مرحله ادامه کار، کمبود تجربه در برنامه‌ریزی مالی می‌باشد.

جدول ۱: مشکلات عمده زنان کارآفرین در زمینه راه‌اندازی و ادامه کار (Hisrich and Brush, 1984)

مشکلات در ادامه کار	مشکلات راه‌اندازی
کمبود تجربه در برنامه‌ریزی مالی ۱۸٪	کمبود مهارت‌های حرفه‌ای ۲۰٪
تلاقی امور شرکت با مسائل شخصی ۱۵٪	تأمین سرمایه ۲۸٪
موقعیت جانبی ضعیف ۱۳٪	بی‌تجربگی در برنامه‌ریزی مالی ۲۰٪
کسب سرمایه ۱۱٪	موقعیت جانبی ضعیف ۲۱٪
کمبود مهارت‌های حرفه‌ای ۱۱٪	کمبود راهنمایی و مشاوره ۲۱٪

در مطالعه دیگری که در مورد ۱۲۹ زن کارآفرین آمریکایی انجام شده است، نتایج نشان می‌دهد که ۳۴ درصد از آنان در جلب سرمایه‌گذاری و مدیریت مالی دچار مشکل بوده‌اند. همچنین در این تحقیق زنان کارآفرین ابراز کردند که به علت زن بودن قادر به ورود به برخی از محافل اجتماعی نبوده‌اند؛ به طوری که این مسأله درباره زنان سیاه پوست تشدید می‌شد (Battner and Moore, 1977). نتایج مطالعه دیگری که از طریق مصاحبه با زنان کارآفرین شرکت‌کننده در برنامه آموزشی توسعه کارآفرینی زنان (WED) در رومانی صورت گرفت، آشکار کرد که اکثر آنها احساس می‌کنند مهمترین موانعی که

در ابتدای راه باید برآن غلبه کرد، موانع درونی از جمله ترس از شکست، کمبود جسارت، کمبود حمایت معنوی و نبود الگوی مناسب می‌باشد (گلرد، 1383). در تحقیق دیگری که بین 21 زن کارآفرین در آمریکا انجام شد، مشکلات جدی، کسب اعتبار و غلبه بر این باور اجتماعی که زنان در کار به اندازه مردان جدی نیستند، بیان شده است. به عبارت دیگر وام دهندگان، مشتریان، کارکنان و همسران، زنان را به اندازه مردان باور ندارند (Hisrich and Brush, 1985).

از جمله تحقیقاتی که در زمینه شناسایی موانع کارآفرینی زنان در داخل کشور صورت گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

در تحقیقی که در زمینه بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران صورت گرفته، موانع خانوادگی، نظام تعلیم و تربیت، ناهمخوانی انتظارات نقش‌ها، باورهای کلیشه‌ای و مناسبات حاکم بر سازمان کار به عنوان مهمترین موانع کارآفرینی زنان ایرانی قید شده است (جواهری، 1383). در یک بررسی صورت گرفته در بین زنان کارآفرین در تعاونیهای استان مازندران، مشکلات مالی، اختلاف میان اعضا و تبعیض علیه زنان، به عنوان مهمترین موانع کارآفرینی زنان در تعاونیها مطرح شده است (کریمی، 1384). در تحقیق دیگری که بین زنان کارآفرین در شهرها و روستاهای مختلف کشور صورت گرفته است، عمده موانع کارآفرینی زنان به شرح جدول 2 بیان شده است (صابر، 1381).

جدول 2: موانع عمده کارآفرینی زنان

موانع سازمانی	موانع فردی
<p>مالی:</p> <p>1- نبود یا کمبود سرمایه شخصی</p> <p>2- مشکل دریافت وام</p> <p>3- مشکل نقدینگی</p>	<p>خانوادگی:</p> <p>1- خانواده همسر</p> <p>3- همسر 4- فرزندان</p>
<p>فیزیکی:</p> <p>1- کمبود یا نبود مکان مناسب کسب و کار</p> <p>2- کمبود امکانات سخت افزاری</p> <p>3- مشکل تأمین مواد اولیه</p>	<p>علمی:</p> <p>1- دانش و مهارت‌های مدیریتی</p> <p>2- دانش و مهارت‌های بازاریابی</p> <p>3- دانش حقوقی 4- دانش فنی</p> <p>5- دانش مالی و حسابداری</p> <p>6- دانش و مهارت‌های اطلاعات</p>

## گمانه‌های پژوهش

بر اساس درخت سلسله موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان گمانه‌های پژوهشی چنین است:

- گمانه 1- موانع خانوادگی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 2- موانع علمی- تحصیلی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 3- موانع پرورشی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 4- موانع شخصیتی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 5- موانع مالی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 6- موانع فرهنگی- اجتماعی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 7- موانع قانونی بر کارآفرینی زنان مؤثر است.
- گمانه 8- میزان تأثیر موانع گوناگون بر کارآفرینی زنان در استان یزد، تفاوت معناداری با همدیگر ندارند.

## روش تحقیق و روش جمع‌آوری اطلاعات

روش این تحقیق تحلیلی- ریاضی است. به این صورت که اطلاعات جمع‌آوری شده ابتدا با روشهای آماری و با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* مورد تحلیل قرار گرفته و سپس با استفاده از روش *TOPSIS* که در ادامه توضیح داده می‌شود، موانع رتبه‌بندی شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روشهای میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا برای شناسایی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان با بررسی کتابخانه‌ای پیشینه پژوهش، یکسری از عوامل شناسایی شد. سپس برای تکمیل این عوامل پرسشنامه‌ای براساس مفهوم پایه‌ای دلفی طراحی و میان کارشناسان که شامل 12 نفر از استادان دانشگاه یزد که در زمینه مسائل مدیریت و کارآفرینی صاحب‌نظر بودند و همچنین 20 نفر از زنان دارای فعالیت کارآفرینی در پارک علم و فناوری استان یزد توزیع شد. در این مرحله پاسخگویان علاوه بر تعیین اهمیت عوامل تعیین‌شده در قالب سؤالات باز قادر به اضافه‌کردن هر گونه موانع جدید نیز بودند. با تکرار دو دفعه پاسخگویی این

صاحب‌نظران و کارشناسان به پرسشنامه، درخت اولیه سلسله مراتب موانع مؤثر در کارآفرینی زنان به دست آمد (نمودار 1).

با توجه به کاربرد روش *TOPSIS* که از روشهای تصمیم‌گیری چند شاخصه‌ای است. در ادامه این تکنیک توضیح داده می‌شود.

مدلهای تصمیم‌گیری چند شاخصه، مدلهایی هستند که در دو دهه اخیر، مورد توجه محققان امر تصمیم‌گیری بوده است. این تکنیکها و مدلها کاربرد بسیار گسترده‌ای در تصمیم‌گیریهای پیچیده هنگامی که معیارهای متعدد و گاه متضاد وجود دارند، پیدا کرده‌اند. قدرت بسیار بالای این تکنیکها در کاهش پیچیدگی تصمیم‌گیری، استفاده همزمان از معیارهای کیفی و کمی و اعطای چارچوب ساختارمند به مسائل تصمیم‌گیری و در نهایت کاربرد آسان آنها باعث شده است تا به عنوان ابزار دست تصمیم‌گیران خطه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. این تکنیکها مسائل تصمیم را در قالب یک ماتریس همانند جدول 2 فرموله کرده و تحلیلهای لازم را روی آنها انجام می‌دهند.

جدول 3: ماتریس تصمیم‌گیری

شاخص گزینه	$X_1$	$X_2$	...	$X_n$
$A_1$	$R_{11}$	$R_{12}$	...	$R_{1n}$
$A_2$	$R_{21}$	$R_{22}$	...	$R_{2n}$
⋮	⋮	⋮		⋮
$A_m$	$r_{m1}$	$R_{m2}$	...	$R_{mn}$

در این ماتریس  $A_i$  نشاندهنده گزینه  $i$  ام،  $x_{ij}$  نشاندهنده شاخص  $j$  ام و  $r_{ij}$  نشاندهنده ارزش شاخص  $j$  ام برای گزینه  $i$  ام می‌باشد (اصغرپور، 1383).



شیوه‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه‌ای گوناگون است و هر کدام ویژگیها و شرایط کاربرد خاص خود را دارد. یکی از شیوه‌هایی که برای رتبه‌بندی عوامل از آنها استفاده می‌شود، تکنیک *TOPSIS* است که در این پژوهش از آن استفاده می‌گردد (اصغریور، 1383؛ میرغفوری، 1385).

### تکنیک *TOPSIS*<sup>۱</sup>

این روش در سال 1981 به وسیله هوانگ<sup>۲</sup> و ویون<sup>۳</sup> ارائه شد. در این روش  $m$  عامل یا گزینه به وسیله یک فرد یا گروهی از افراد تصمیم‌گیرنده ارزیابی می‌شوند. این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است که هر عامل انتخابی باید کمترین فاصله را با عامل ایدئال مثبت (مهمترین) و بیشترین فاصله را با عامل ایدئال منفی (کم اهمیت‌ترین عامل) داشته باشد، به عبارت دیگر در این روش میزان فاصله یک عامل با عامل ایده‌آل مثبت و منفی سنجیده شده و این خود معیار درجه‌بندی و اولویت بندی عوامل است (آذر و رجب زاده، 1381). مراحل این روش که جهت استفاده در مواردی که از پرسشنامه استفاده می‌کنیم، عبارتند از:

**تعیین ماتریس مقایسه عوامل:** در این مرحله ماتریسی رسم خواهد شد که در سطر آن عوامل و در ستون آن افراد نظر دهنده آورده می‌شود و در تلاقی سطر و ستون، میزان اهمیتی که هر پاسخگو برای هر کدام از عوامل قائل شده است، آورده می‌شود (جدول 4).

- 
1. Technique for Order-Preference by Similarity to Ideal Solution
  2. Hwang
  3. Yoon

جدول 4: ماتریس تصمیم‌گیری

افراد عوامل	$N1$	$N2$	...	$Nn$
$A1$	$R11$	$R12$	...	$R1n$
$A2$	$R21$	$R22$	...	$R2n$
$\vdots$	$\vdots$	$\vdots$		$\vdots$
$Am$	$rm1$	$Rm2$	...	$Rmn$

$R_{ij}$ : نظر فرد  $i$  ام درباره عامل  $j$  ام که در مقیاس 5 گزینه‌ای طیف لیکرت (1 - 5) بیان شده است.

بهنجار کردن ماتریس تصمیم‌گیری: به منظور قابل مقایسه شدن، مقیاسهای مختلف اندازه‌گیری ماتریس تصمیم‌گیری به ماتریس بهنجار شده یا ماتریس بی‌مقیاس موزون با استفاده از فرمول زیر تبدیل می‌شوند.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

تعیین عامل ایدئال مثبت و ایدئال منفی: در این مرحله باید عوامل که از نظر پاسخ‌دهندگان به عنوان مهمترین عامل و کم‌اهمیت‌ترین عوامل مشخص شده‌اند، شناسایی شوند. به عبارتی:

$$A^+ = \left\{ \left( \max_i V_{ij} \mid j \in J \right), i = 1, 2, \dots, m \right\} = \{V_1^+, V_2^+, \dots, V_n^+\}$$

$$A^- = \left\{ \left( \min_i V_{ij} \mid j \in J \right), i = 1, 2, \dots, m \right\} = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_n^-\}$$

محاسبه اندازه جدایی (فاصله): در این مرحله باید میزان فاصله هر یک از عوامل از ایدئال مثبت و ایدئال منفی تعیین شود. بنابراین فاصله گزینه  $i$  ام با ایدئالها با استفاده از روش اقلیدسی به شرح زیر است:

$$\text{فاصله گزینه } i \text{ ام از ایدئال مثبت} = d_i^+ = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2 \right\}^{. / 5} ; i = 1, 2, \dots, m$$
$$\text{فاصله گزینه } i \text{ ام از ایدئال منفی} = d_i^- = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2 \right\}^{. / 5} ; i = 1, 2, \dots, m$$

محاسبه میزان نزدیکی هر کدام از عوامل به عامل ایدئال مثبت و ایدئال منفی: محاسبه مقدار  $C_i$  بر اساس فرمول زیر:

$$C_i = \frac{\text{مقدار فاصله با ایدئال مثبت}}{\text{مقدار فاصله با ایدئال منفی} + \text{مقدار فاصله با ایدئال مثبت}}$$

و دسته‌بندی عوامل بر اساس ترتیبی نزولی  $C_i$ . به عبارت دیگر  $C_i$  هر چه بالاتر باشد، درجه اهمیت عامل بالاتر است (میرغفوری، 1385).

## ابزار گردآوری داده‌ها و روایی<sup>۱</sup> و پایایی<sup>۲</sup> آن

داده‌های مورد نیاز برای آزمون گمانه‌های پژوهشی با استفاده از پرسشنامه گردآوری شد. پرسشنامه مذکور مبتنی بر 7 قسمت و شامل 41 پرسش درباره میزان تأثیر موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان در مقیاس 5 گزینه‌ای طیف لیکرت طراحی شد.

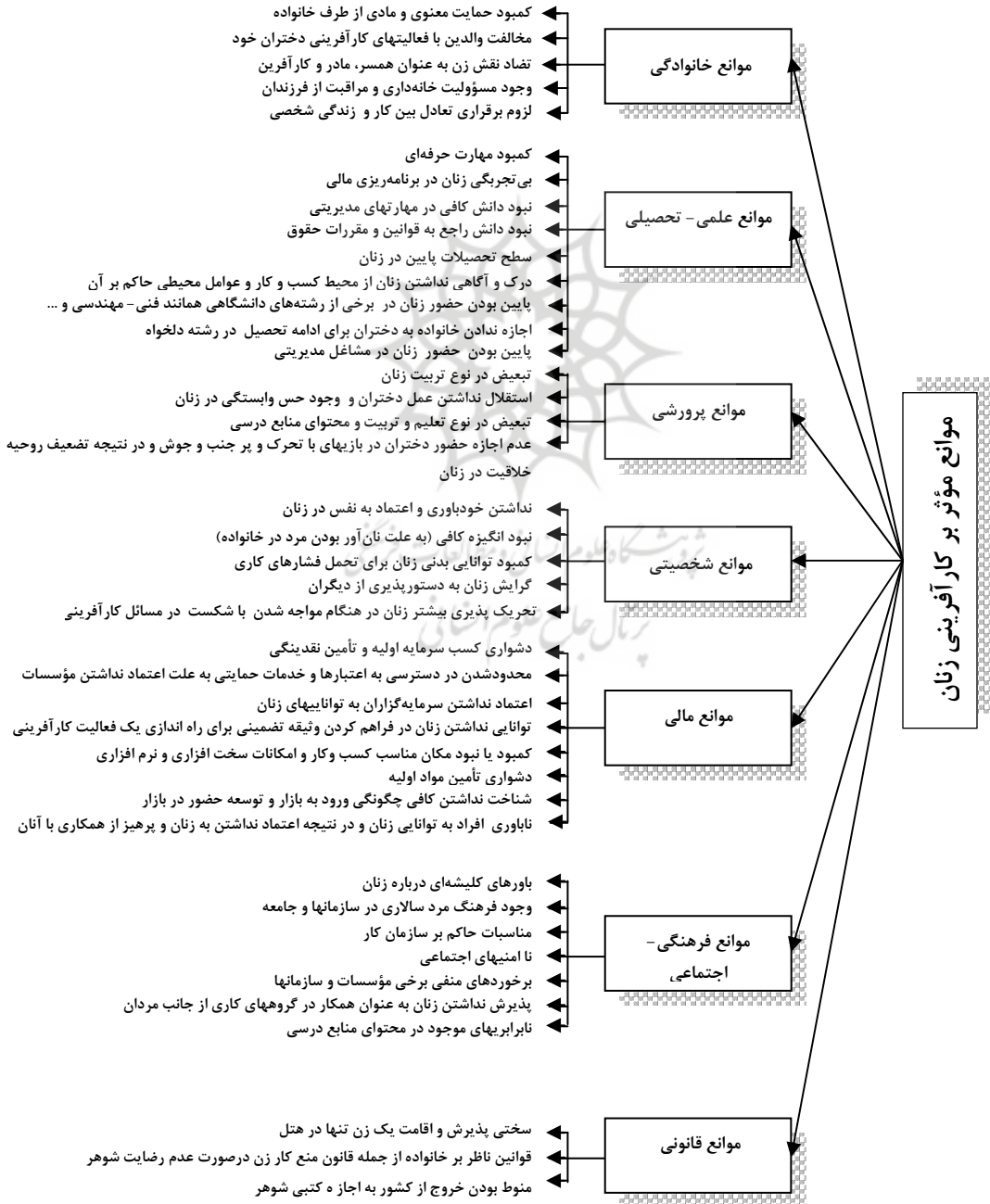
از آنجا که پرسشنامه مذکور بر پایه موانع شناسایی شده در پیشینه پژوهش و دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان فراهم شده است و همچنین ویرایش نهایی پرسشنامه به تأیید چند تن از صاحب‌نظران رسیده است، بنابراین روایی پرسشنامه خود به خود تأیید می‌شود.

برای محاسبه پایایی ابزار گردآوری داده‌ها روشهای متفاوتی از جمله اجرای دوباره (روش باز آزمایی)، روش موازی (همتا)، روش تنصیف (دو نیمه‌کردن پرسشنامه و محاسبه همبستگی نمرات دو دسته) و روش «آلفای کرونباخ»<sup>۳</sup> به کمک نرم‌افزار SPSS اشاره کرد، در این روش، مقدار  $\alpha$  هر چه به 1.00٪ نزدیکتر باشد، بیانگر قابلیت اعتماد بیشتر پرسشنامه است. در این تحقیق برای تعیین پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ معادل 0/901 است که نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- 
1. Validity
  2. Reliability
  3. Cronbach's Alpha

نمودار 1: درخت اولیه سلسله مراتب موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان



## جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل زنان کارآفرین استان یزد می‌باشد. این جامعه چند دسته از زنان را به شرح زیر شامل می‌شود:

کارآفرینان زن معرفی شده از سوی اداره کار و امور اجتماعی استان یزد  
 زنانی که شرکتهای مستقلی را زیر نظر پارک علم و فناوری استان یزد تأسیس کرده و فعالیت می‌کنند.

زنان شاغل فعال در پستهای مدیریتی و سرپرستی در اداره‌ها و شرکتهای استان یزد براساس آمار موجود در اداره کار و امور اجتماعی و سازمان صنایع و معادن و پارک علم و فناوری استان یزد، حجم این جامعه آماری حدود 300 نفر می‌باشند.  
 برای تعیین تعداد نمونه آماری با استفاده از دستور برآورد حجم نمونه، شمار آماری 90 نفر به دست آمد. به این ترتیب تعداد 90 پرسشنامه، بین زنان کارآفرین توزیع و از این تعداد پرسشنامه 60 عدد جمع‌آوری شد (نرخ بازگشتی 0/67). خلاصه داده‌های جمع‌آوری شده در ارتباط با پاسخ دهندگان به شرح جدول 5 می‌باشد.

جدول 5: توزیع فراوانی ویژگیهای جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی	تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	سابقه کار (سال)	فراوانی	درصد فراوانی
مجرد	14	23/3	دیپلم	9	15	1-5	30	50
متاهل	46	76/7	کاردانی	5	8/3	6-10	15	25
بدون پاسخ	-	-	کارشناسی	41	68/3	11-15	9	15
			کارشناسی ارشد	5	8/3	16-20	5	8/3
				1	1/7	21-25	1	1/7
جمع کل	60	100	جمع کل	60	100	جمع کل	60	100

## تجزیه و تحلیل اطلاعات

### تحلیل آماری داده‌ها

در این بخش داده‌های گردآوری شده ابتدا از دیدگاه آمار توصیفی و سپس با آزمونهای آماری بررسی شد. بررسیهای آماری با روشهای آزمون یکطرفه تی-استیودنت<sup>۱</sup> و تحلیل واریانس<sup>۲</sup> انجام شد.

برای بررسی گمانه‌های 1 تا 7 فرض آماری به شکل زیر طراحی شد که به عنوان نمونه درباره موانع خانوادگی به شرح زیر است:

موانع خانوادگی بر کارآفرینی زنان در جامعه زنان کارآفرین استان یزد مؤثر است.

$$H_0: \mu \geq 3$$

موانع خانوادگی بر کارآفرینی زنان در جامعه زنان کارآفرین استان یزد مؤثر نیست.

$$H_1: \mu < 3$$

برای آزمون، این فرضیه‌ها از آزمون یکطرفه تی-استیودنت به کار رفت که یافته‌های آن در جدول 6 آمده است و همچنان که دیده می‌شود نشاندهنده درستی همه گمانه‌ها بجز گمانه سوم است. این به آن معنا است که هر کدام از شش دسته موانع خانوادگی، علمی-تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی در کارآفرینی زنان مؤثر می‌باشد. نتایج نشاندهنده این است که موانع پرورشی در کارآفرینی زنان تأثیرگذار نیست.

اینک جای پرسش است که آیا میزان تأثیر این شش دسته از موانع یکسان است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، فرض آماری به شرح زیر بررسی شد:

---

1. One Sample T - Test

2. Analysis of Variance(ANOVA)

میان میزان تأثیر موانع خانوادگی، علمی- تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی- اجتماعی و قانونی بر کارآفرینی زنان در استان یزد، تفاوت معناداری وجود ندارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 = \mu_4 = \mu_5 = \mu_6$$

میان میزان تأثیر موانع خانوادگی، علمی- تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی- اجتماعی و قانونی بر کارآفرینی زنان در استان یزد، تفاوت معناداری وجود دارد.

$$H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \neq \mu_3 \neq \mu_4 \neq \mu_5 \neq \mu_6$$

برای آزمون این فرض آماری، از روش تحلیل واریانس و توزیع فیشر استفاده شد. یافته‌های این آزمون در جدول 7 آمده است. همچنان که دیده می‌شود تفاوت میان میزان تأثیر شش دسته از موانع معنادار است. این به آن معنا است که تأثیر این شش دسته از موانع بر کارآفرینی زنان در استان یزد یکسان نیست و می‌توان موانع را بر اساس میزان تأثیر رتبه‌بندی کرد. بنابراین در ادامه با استفاده از روشهای *MCDM*، این موانع را بر پایه میزان تأثیرگذاری آنها رتبه‌بندی می‌شود.

جدول 6: یافته‌های به‌دست آمده از بررسی گمانه‌های 1 تا 7

گمانه	آماره آزمون	سطح معنا داری	تصمیم‌گیری
1	6/091	0.000	درستی گمانه
2	3/188	0.002	درستی گمانه
3	1/639	0.106	نادرستی گمانه
4	4/163	0.000	درستی گمانه
5	6/982	0.000	درستی گمانه
6	5/998	0.000	درستی گمانه
7	4/425	0.000	درستی گمانه



جدول 7: یافته‌های بررسی گمانه‌ی 8

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون ( $F$ )	گروه عاملها
0/048	5	2/145	خانوادگی
			علمی - تحصیلی
			شخصیتی
			مالی
			فرهنگی - اجتماعی
			قانونی

### رتبه بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان با روشهای $MCDM$

از آنجا که بررسیهای انجام شده نشان داد، تأثیر هر یک از موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان استان یزد با یکدیگر یکسان نیست، بنابراین باید میزان تأثیرگذاری این موانع را سنجش کرد و به این ترتیب، آنها را رتبه‌بندی کرد. در این پژوهش برای رتبه‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان، با نگرش به شرایط مسأله، روش  $TOPSIS$  انتخاب شد.

یافته‌های به دست آمده از رتبه‌بندی شش دسته موانع با روش  $TOPSIS$  در جدول 8 آمده است. همچنان که مشاهده می‌شود موانع فرهنگی بیشترین تأثیر و موانع علمی کمترین تأثیر را در کارآفرینی زنان استان یزد دارد.

جدول 8: رتبه‌بندی موانع شش‌گانه مؤثر بر کارآفرینی زنان

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/561	0/021	0/016	موانع فرهنگی - اجتماعی
2	0/53	0/019	0/017	موانع مالی
3	0/51	0/019	0/018	موانع خانوادگی
4	0/499	0/02	0/02	موانع قانونی
5	0/454	0/016	0/019	موانع شخصیتی
6	0/385	0/014	0/022	موانع علمی

رتبه‌بندی همه مؤلفه‌های شش گروه از موانع کارآفرینی زنان با روش *TOPSIS* در جدولهای 9-14 آمده است.

**جدول 9: رتبه‌بندی موانع فرهنگی - اجتماعی با TOPSIS**

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/0639	0/028	0/016	ناامنی‌های اجتماعی (محدودیت رفت و آمد در برخی اماکن، سفرهای داخلی و خارجی، رانندگی در جاده‌های بین شهری)
2	0/0628	0/028	0/016	مناسبات حاکم بر سازمان کار (دستمزد نابرابر برای کار یکسان، فرصت نابرابر برای آموزشهای جانبی، دستیابی نابرابر به منابع تولیدی، مشارکت نابرابر در تصمیم‌گیری، امکان نابرابر در ارتقای شغلی، نازل بودن میزان ارتقای زنان به سطوح مدیریتی)
3	0/59	0/026	0/018	برخوردهای منفی برخی سازمانها و مؤسسات اقتصادی و اجتماعی
4	0/516	0/024	0/022	وجود فرهنگ مردسالاری در سازمانها و جامعه
5	0/496	0/022	0/022	پذیرش نداشتن زنان به عنوان همکار در گروههای کاری از جانب مردان
6	0/428	0/019	0/025	نابرابریهای موجود در محتوای منابع درسی
7	0/368	0/016	0/028	باورهای کلیشه‌ای (از جمله اشعار، داستانها و ضرب‌المثلها) درباره زنان

جدول 10: رتبه‌بندی موانع مالی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/569	0/022	0/017	دشواری کسب سرمایه اولیه و تأمین نقدینگی در طول فعالیت
2	0/535	0/021	0/018	محدود بودن در دسترسی به اعتبارها و خدمات حمایتی به علت عدم اعتماد مؤسسات مالی
3	0/53	0/02	0/018	شناخت نداشتن کافی چگونگی ورود به بازار و توسعه حضور در بازار
4	0/518	0/021	0/019	ناباوری افراد نسبت به توانایی زنان و در نتیجه عدم اعتماد به زنان کارآفرین و پرهیز از همکاری با آنان
5	0/513	0/02	0/019	عدم توانایی زنان در فراهم کردن وثیقه تضمینی برای راه‌اندازی یک فعالیت کارآفرینی
6	0/499	0/02	0/02	اعتماد نداشتن سرمایه‌گذاران به تواناییهای زنان
7	0/493	0/019	0/019	دشواری تأمین مواد اولیه
8	0/456	0/018	0/021	کمبود یا نبود مکان مناسب کسب و کار و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

جدول 11: رتبه‌بندی موانع خانوادگی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/73	0/037	0/014	لزوم برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی
2	0/54	0/028	0/024	کمبود حمایت معنوی و مادی از طرف خانواده
3	0/462	0/024	0/028	مخالفت والدین با فعالیتهای کارآفرینی دختران خود
4	0/436	0/024	0/031	وجود مسؤولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان
5	0/377	0/021	0/035	تضاد نقش زن به عنوان همسر، مادر و کارآفرین

جدول 12: رتبه‌بندی موانع قانونی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/649	0/032	0/017	منوط بودن خروج از کشور به اجازه کتبی از شوهر
2	0/455	0/023	0/027	قوانین ناظر بر خانواده از جمله قانون منع کار زن در صورت رضایت نداشتن شوهر
3	0/388	0/019	0/029	سختی پذیرش و اقامت یک زن تنها در هتل

جدول 13: رتبه‌بندی موانع شخصیتی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/783	0/035	0/01	نداشتن خودباوری و اعتماد به نفس در زنان
2	0/536	0/025	0/022	نبود انگیزه کافی (به علت نان‌آور بودن مرد در خانواده)
3	0/479	0/024	0/027	تحریک‌پذیری (حساسیت) بیشتر زنان در هنگام مواجهه با شکست در مسائل کارآفرینی
4	0/384	0/019	0/031	کمبود توانایی بدنی زنان برای تحمل فشارهای کاری
5	0/381	0/019	0/031	گرایش زنان به دستورپذیری از دیگران

جدول 14: رتبه‌بندی موانع علمی با TOPSIS

رتبه	$C_i$	فاصله با ایدئال منفی	فاصله با ایدئال مثبت	عوامل
1	0/562	0/025	0/02	کمبود مهارت حرفه‌ای
2	0/534	0/024	0/021	سطح تحصیلات پایین در زنان
3	0/504	0/023	0/023	اجازه ندادن خانواده‌ها به دختران برای ادامه تحصیل در رشته دلخواه به علت هراس از مسائل و مشکلات ترک وطن
4	0/496	0/022	0/023	پایین بودن حضور زنان در مشاغل مدیریتی و در نتیجه فرصت کافی نداشتن برای حضور در برنامه‌های مهارت‌آموزی مدیریتی
5	0/454	0/02	0/024	نبود دانش کافی در مهارت‌های مدیریتی
6	0/447	0/02	0/025	نداشتن درک و آگاهی زنان از محیط کسب و کار و عوامل محیطی حاکم بر آن
7	0/431	0/019	0/025	نبود دانش راجع به قوانین و مقررات حقوقی
8	0/425	0/018	0/025	بی‌تجربگی زنان در برنامه‌ریزی مالی
9	0/39	0/017	0/027	پایین بودن حضور زنان در برخی از رشته‌های دانشگاهی همانند فنی مهندسی و کشاورزی

## نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شش دسته از موانع خانوادگی، علمی- تحصیلی، شخصیتی، مالی، فرهنگی- اجتماعی و قانونی بر کارآفرینی زنان مؤثر بوده و مانع از مشارکت زنان در عرصه فعالیتهای کارآفرینی می‌شوند. با توجه به رتبه‌بندی انجام شده می‌توان دریافت که اولویت تأثیر موانع بر کارآفرینی زنان به شرح زیر است:

1- فرهنگی؛ 2- مالی؛ 3- خانوادگی؛ 4- قانونی؛ 5- شخصیتی؛ 6- علمی.

اما نتیجه‌ای که از سطح معناداری محاسبه شده در تحلیل واریانس می‌توان گرفت این است که علی‌رغم اینکه تفاوت معناداری میان تأثیر موانع بر مشارکت زنان در فعالیتهای کارآفرینانه وجود دارد، این اختلاف بسیار زیاد نمی‌باشد. همین امر در  $Ci$  های محاسبه شده در روش *TOPSIS* برای این دسته موانع نیز مشخص است، به این ترتیب که به غیر از موانع علمی تأثیر سایر موانع تقریباً به هم نزدیک است. این موضوع این نکته را می‌رساند که در حال حاضر کم اهمیت‌ترین مانع برای حضور زنان در فعالیتهای کارآفرینی، موانع علمی است؛ زیرا با گسترش روز افزون ظرفیتهای ورود به دانشگاه و همچنین درصد بالای حضور دختران در دانشگاه و نیز آموزشهای کاربردی از سوی مراکزی همچون سازمانهای حرفه‌ای، صدا و سیما و ...، باعث شده است تا هر روز با افزایش سطح علمی زنان در جامعه ایران، تأثیر موانع علمی بر کارآفرینی زنان کمتر شود. با توجه به رتبه‌بندی موانع فرعی در هر دسته به‌طور کلی می‌توان گفت که مهمترین موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان در هر دسته به شرح زیر است:

### موانع فرهنگی:

- ناامنیهای اجتماعی: انجام فعالیتهای کارآفرینانه مستلزم انجام فعالیتهایی از قبیل رفت و آمد در اماکن مختلف، سفرهای داخلی و خارجی، رانندگی در جاده‌های بین شهری و ... دارد که از دیدگاه زنان کارآفرین استان یزد به شرایط موجود این موارد مشکلاتی را ایجاد کرده است.
- مناسبات حاکم بر سازمان کار همانند دستمزد نابرابر، فرصت نابرابر برای آموزشهای جانبی و ... علی‌الخصوص در سازمانهای دولتی و همچنین در شرکتهای خصوصی باعث شده است

تا زنان فرصتهای کمتری را برای انجام فعالیتهای کارآفرینی در اختیار داشته باشند. در این میان عدم اعتقاد کامل مدیران به کارآفرینی زنان نیز مزید بر علت می‌باشد.

#### موانع مالی:

- کسب سرمایه اولیه و تأمین نقدینگی از بانکها در ابتدا و همچنین در ادامه فعالیتهای کارآفرینی از جمله مسائل دشواری است که به‌زعم بسیاری از زنان کارآفرین در حد و توان آنان نمی‌باشد.
- شناخت نداشتن چگونگی ورود به بازار و توسعه حضور در بازار: بسیاری از زنان کارآفرین بر این باورند که مسائل مربوط به بازاریابی، فروش کالاها و خدمات تولید شده در بازار ایران با توجه به ثبات نداشتن و اطمینان به آن، بسیاری از زنان کارآفرین را از انجام فعالیتهای کارآفرینی منصرف می‌کند.

#### موانع خانوادگی:

- لزوم برقراری تعادل بین کار و زندگی شخصی برای زنان کارآفرین محدودیتهای زیادی را در فرایند کارآفرینی ایجاد می‌کند.
- کمبود حمایت معنوی و مادی از طرف خانواده

#### موانع قانونی:

- منوط‌بودن خروج از کشور به اجازه کتبی از شوهر
- قوانین ناظر بر خانواده (قانون منع کار زن در صورت رضایت نداشتن شوهر) باعث شده است تا بسیاری از زنان به علت مخالفت همسران خود علی‌رغم توانایی ویژه آنان از حضور در عرصه‌های کارآفرینی باز بمانند.

#### موانع شخصیتی:

- نداشتن خودباوری و اعتماد به نفس در زنان باعث شده است که زنان اطمینان کافی قبل از ورود به عرصه کارآفرینی نداشته باشند. عدم وجود یا کمبود زنان کارآفرین موفق به عنوان الگو در جامعه ایران باعث شدت بخشیدن به این مسأله شده است.
- نبود انگیزه کافی (به علت نا‌آور بودن مرد در خانواده)

## موانع علمی:

- کمبود مهارت حرفه‌ای
- اجازه ندادن خانواده‌ها به دختران برای ادامه تحصیل در رشته دلخواه به علت هراس از مسائل و مشکلات ترک وطن: بسیاری از خانواده‌ها علی‌الخصوص در خانواده‌های سنتی به خاطر وجود نامنهای اجتماعی صرفاً در صورتی با ادامه تحصیل فرزندان دختر خود موافقت می‌کنند که در همان شهر محل اقامت خود ادامه تحصیل دهند. با توجه به نبودن تمامی رشته‌ها در شهرها و همچنین وجود نداشتن مراکز آموزشی در شهرهای کوچک مشکلاتی را برای زنان کارآفرین ایجاد کرده است.

## پیشنهادهای

### پیشنهادهای کاربردی

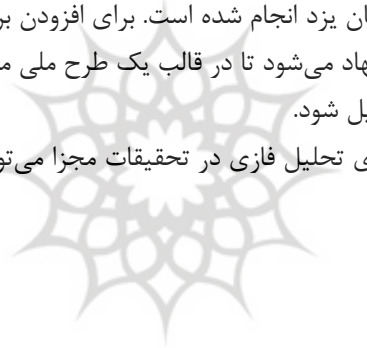
- 1- ایجاد قوانینی در سازمانها، ادارات دولتی و شرکتها در خصوص تعیین الزاماتی درباره حداقل حضور زنان در دوره‌های آموزشی، پستهای مدیریتی، گروههای اجرایی پروژه‌های مختلف و ... پیشنهاد می‌شود.
- 2- با توجه به مشکل تأمین اعتبار برای زنان کارآفرین پیشنهاد می‌شود که دولت منابع مالی ویژه‌ای را به بانکها تخصیص داده تا از محل آن اعتبارات صرفاً به زنانی که قصد سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف را دارند، وام داده شود.
- 3- به منظور آشنایی زنان با فعالیتهای کارآفرینی پیشنهاد می‌شود که با برگزاری دوره‌های کاربردی مبانی کارآفرینی و بازاریابی و ... از طرف ادارات صنایع استان و تشویق زنان به شرکت در این دوره، زمینه حضور زنان در فعالیتهای کارآفرینی فراهم گردد.
- 4- ایجاد فرهنگ سازی از طرف نهادهای فرهنگی همانند صدا و سیما و ترغیب خانواده‌ها به توجه بیشتر به ادامه تحصیل دختران.



5- افزایش امکانات لازم برای سکونت دختران دانشجو در خوابگاههای دانشگاههای سراسر کشور برای به وجود آمدن اطمینان در خانواده‌هایی که دختران آنها برای ادامه تحصیل مجبور به مهاجرت از شهر خود و سکونت در شهر محل تحصیل هستند.

### پیشنهادهای پژوهشی

- 1- این پژوهش در سطح استان یزد انجام شده است. برای افزودن بر غنای تحقیق و تعمیم نتایج به جامعه زنان کل کشور پیشنهاد می‌شود تا در قالب یک طرح ملی موانع کارآفرینی زنان در کل کشور شناسایی و تجزیه و تحلیل شود.
- 2- با استفاده از شیوه‌های تحلیل فازی در تحقیقات مجزا می‌توان نتایج قابل قبولتری را به دست آورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. آذر، عادل، و علی رجب زاده؛ **تصمیم‌گیری کاربردی**؛ تهران: انتشارات نگاه دانش، 1381.
2. آراستی، زهرا؛ "زنان کارآفرین ایرانی و ساختارهای فرهنگی-اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب و کارهای زنانه"، **مجله پژوهش زنان**؛ ش 1 و 2، دوره 4، 1385، صص 93-120.
3. احمدپور داریانی، محمود؛ **کارآفرینی**؛ پردیس، چ 4، 1381.
4. اداره کار و امور اجتماعی استان یزد؛ **انتخاب کارآفرینان برتر استان یزد**، جشنواره امیرکبیر، 1385.
5. اصغریور، محمدجواد؛ **تصمیم‌گیری چند معیاره**؛ چ 3، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1383.
6. احمدپور داریانی، محمود، و ناهید شیخان و حجت اله رضا زاده؛ **تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب**، چ 1، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1383.
7. جزئی، نسرين؛ "عدالت جنسیتی، حقوق و توانمندسازی زنان"؛ اولین همایش کارآفرینی زنان و چالشهای پیش‌رو، 1384.
8. جواهری، فاطمه، و سرور قضاوتی؛ "بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران: موانع کارآفرینی زنان"، **مجله جامعه‌شناسی ایران**؛ ش 18، 1383، صص 161-178.
9. خنیفر، حسین؛ **کارآفرینی در نظام ارزشی**؛ چ 1، مرکز کارآفرینی پردیس قم، 1385.
10. آمار ایران؛ **سالنامه آماری کشور**؛ 1381، 1382 و 1383.
11. سرایی، حسن؛ **مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق**؛ چ 2، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، زمستان 1375.

12. صابر، فیروزه؛ **راههای توسعه کارآفرینی زنان در ایران**: راهکارهای تواناسازی زنان در راستای برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران؛ تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، 1381، صص 28-32
13. کریمی، زهرا؛ **نقش حمایت‌های دولت در گسترش کارآفرینی در میان زنان**: مطالعه موردی: تعاونی‌های زنان استان مازندران؛ اولین همایش کارآفرینی زنان و چالش‌های پیش‌رو، 1384.
14. کنور؛ **آمار ناپارامتری کاربردی**؛ ترجمه سید مقتدی هاشمی پرست؛ چ 1، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1372.
15. گلرد، پروانه؛ "عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان ایرانی"، **مجله پژوهش زنان**؛ ش 14، 1384، صص 101-124
16. گلرد، پروانه؛ **طراحی الگوی توسعه کارآفرینی زنان در ایران**؛ پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، 1383.
17. میرغفوری، سیدحبيب ا..؛ "شناسایی و رتبه‌بندی عامل‌های مؤثر در گماشته شدن زنان به پست‌های مدیریتی"؛ **فصلنامه مطالعات زنان**؛ ش 1، سال 4، 1385.
18. Buttner E.H, Moore,D.P.; **Women's Organizational Exodus to Entrepreneurship: Self-Reported Motivations and Correlates with Success**; Journal of Small Business Management, 1997.
19. Buttner E.H., Moore D.P.; **Women Entrepreneurs: Moving beyond the Glass Ceiling**, Sage Publication, Thousand Oaks, CA., 1997.
20. Gnyawali D., Fogel D.; **"Environments for Entrepreneurship Development: Key Dimensions and Research Implications"**; Entrepreneurship Theory and Practice, Baylor University, 1997, pp: 125-140.

21. Hisrich R. D., Brush C. G.; "**The Women Entrepreneur: Management Skills and Business Problems**"; Journal of Small business Management, Vol.22, No.1, 1984.
22. Hisrich R.D., Brush C.G.; **The Woman Entrepreneur: Characteristics and Prescriptions for Success**; Lexington Books, Lexington, MA, 1984.
23. Hisrich R.D., Brush C.G.; **The Woman Entrepreneur: Starting, Financing and Managing a Successful New Business**; Lexington: Lexington Books, MA, 1985.
24. McClelland D.; **The Achieving Society**; Princeton: NJ, Van Nostrand, 1961.
25. Schumpeter J.A.; **The Theory of Economic Development**; Cambridge: Harvard University Press, MA., 1934.

پروشکاد علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی